

پرسپولیس قهرمانم آرزوست!



پرسپولیس پرورنده ضعیف لیگ یازدهم را با ایستادن در جایگاه دوازدهم جدول رده‌بندی با این امید بست که در لیگ جدید جبران مافات کند، بر این اساس بود که هنوز فصل نقل و انتقالات آغاز نشده بود که رویانیان برای جذب بهترین‌های لیگ با بازیکنان وارد مذاکره شد.

جام جم آنلاین: پرسپولیس پرورنده ضعیف لیگ یازدهم را با ایستادن در جایگاه دوازدهم جدول رده‌بندی با این امید بست که در لیگ جدید جبران مافات کند، بر این اساس بود که هنوز فصل نقل و انتقالات آغاز نشده بود که رویانیان برای جذب بهترین‌های لیگ با بازیکنان وارد مذاکره شد.

هرچند دنیزلی هنوز قرار بود سرمربی سرخپوشان باشد، اما از همان ابتدا هم مشخص بود که مدیرعامل پرسپولیس برای رفع نقاط ضعف تیمش بیشتر از آن‌که به دنبال نظر سرمربی باشد به نام‌هایی توجه دارد که حداقل چند فصلی بود در لیست خرید این تیم قرار می‌گرفتند و عاقبت از پوشیدن پیراهن پرسپولیس بازمی‌ماندند.

رویانیان اتفاقا برای رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی دریغ نکرد؛ از تامین خواسته‌های مالی بازیکنان گرفته تا جلب رضایت باشگاه‌هایی که بازیکنانشان هنوز قرارداد داشتند. گرچه این عملکرد مدیرعامل پرسپولیس مورد انتقاد قرار گرفت و هفته‌ها به دلیل پرداخت‌های میلیاردی‌اش زیر سوال رفت، اما تیمی پرستاره بست که جای هیچ حرفی باقی نگذارد. شروع لیگ یازدهم با پیروزی پرسپولیس در آبادان مقابل صنعت نفت نوید روزهای بهتری را با مربیگری مانوئل ژوزه پرتغالی می‌داد، اما در ادامه نتایج چندان خوشایند نبود؛ از دست دادن امتیاز و ناکامی‌های آزاردهنده حالا برای هواداران این تیم کابوس شده است، کابوسی که هر کسی برای آن دلایلی را برمی‌شمارد.

پرسپولیس تیمی ریشه‌دار، قدیمی و پرطرفدار است که به نوعی بخشی از شناسنامه فوتبال کشورمان محسوب می‌شود. این واقعیت یک قطب فوتبال ماست، اما با نتایج چند فصل اخیر کار را به جایی رسانده که بعضی هوادارانش در خلوت خود آرزو می‌کنند ای‌کاش اصلا علاقه‌مند به فوتبال نبودند. ناکامی‌های پرسپولیس شور و هیجان را حسابی از آنها گرفته است؛ حسی که در صورت ادامه این روند سکوها را روز به روز خالی و خالی‌تر از تماشاگر می‌کند؛ اتفاقی که برای تیمی با این سرمایه‌گذاری کلان شکستی جبران‌ناپذیر خواهد بود. در مقابل اما هستند عده‌ای که امیدوارانه به آینده فکر می‌کنند؛ آینده‌ای که پرسپولیس سرانجام هماهنگ شده و به روزهای اوج خود بازگردد.

آنچه مردم از پرسپولیس می‌گویند نارضایتی توأم با نگرانی و امید است؛ همه آنچه در این گزارش منعکس شده است.

در جستجوی درد پرسپولیس

اولین چیزی که باعث می‌شود به دنبال شنیدن حرف هواداران پرسپولیس باشیم نظر یک پرسپولیس‌قدیمی است که به قول خودش 40 سال است طرفدار این تیم است. وقتی تیم محبوبش بازی را به صواب‌تری، آن هم مقابل تماشاگران در ورزشگاه آزادی واگذار کرد، صدای تلویزیون را کم کرد، نفس عمیقی کشید و گفت: اگر بهترین‌های اروپا را هم بیاورند این تیم، تیم نمی‌شود. چون درد پرسپولیس بازیکن نیست.

من کنجکاو می‌شوم که بدانم درد این تیم چیست که زمین و زمان انتظار دارند ببرد و چهره یک قهرمان را داشته باشد، اما می‌بازد و چیزی جز حسرت برای علاقه‌مندانش نمی‌گذارد. از دید عبدالرضای پنجاه و پنج ساله مشکل این است که نیاز تیم در نظر گرفته نشده و به جای تجهیز خط هافبک تیم، بی‌دلیل چند مهاجم به لیست پرسپولیس اضافه شده‌اند. این هوادار قدیمی پرسپولیس اضافه می‌کند اگر هافبک هم جذب می‌شد باید پیش از شروع فصل زمان کافی برای رسیدن به هماهنگی در اختیار مربی بود وگرنه همینی می‌شد که می‌بینید.

او اینها را می‌گوید، اما من به دنبال جواب سوالم سراغ هواداران دیگری می‌روم؛ از هر قشری و هر سنی.

ژوزه به ترکیب دست نزن!

شاید بهترین مکان جایی باشد که مردم برای خرید روزنامه می‌آیند. چند دقیقه کافی است تا یک پسرچه پانزده ساله برای خرید یکی از روزنامه‌های طرفدار باشگاه پرسپولیس به ده‌ای در شمال شرق تهران مراجعه کند؛ روزنامه را در دست دارد که می‌پرسم پرسپولیس‌ی هستی و او با حرارت می‌گوید هم خودم و هم دو برادر دیگرم. وقتی از او می‌خواهم احساسش را در مورد پرسپولیس جدید در لیگ

امسال بگويد، اين طور ادامه مي دهد: تو را به خدا پيغام مرا به سرمربي بدهيد، خواهش مي كنم اين قدر به تركيب دست نزنند، تيمي كه قرار باشد هر هفته يك تركيب را امتحان كند كل فصل را از دست مي دهد.

اشكال تيم ما همين است، اين همه بازيكن خوب فقط ما را دق مي دهند. افسوس مي خوريم كه چرا حتي نيمي از چيزي كه در تيم هاي ديگر بودند نيستند. مربي بايد بتواند از بازيكن خوب بازي بگيرد، وقت رفتن مي گويد اسمم را نپرسيديد، محمد غزنوي، بنويسيد حتما!

حاشيه ها، جوجه و آخر پاييز!

دكه دار كه متوجه صحبت هاي ما شده بي آن كه بپرسم وارد بحث مي شود. از پرسپوليسي هاي دوآتشه كه به نظر كمتر منطقي مي رسد. اميدوار است و وعده آينده را مي دهد.

نكته: پرسپوليس با تمام ولخرجي هايش براي جذب بهترين هاي ليگ و جلب رضاييت هوادارانش، تاكنون آنها را اميدوار نكرده؛ طرفداراني كه هر كدام براي اين ناكامي ها دلایلي را عنوان مي كنند صحبت از جوجه و شمردن آن در آخر پاييز مي كند، از خريدهاي خوب روبانيان حرف مي زند و بازيكناني كه وقتي هشت نفر آنها به تيم ملي دعوت مي شوند حتما بهترين هستند. اما وقتي مي پرسم پس چرا پرسپوليس نتيجه نمي گيرد، مي گويد آنقدر براي حاشيه درست مي كنند؛ هنوز ليگ شروع نشده همه را از مديرعامل گرفته تا بازيكن زير سوال مي برند. شاهد هم دارد. اشاره مي كند به روزنامه هاي روي پيشخوان و مي گويد اين همه روزنامه فقط كارشان شده به پاي پرسپوليس پيچيدن، هر روز كه ورق مي زنم اصلا از هرچه فوتبال است بدم مي آيد، اما پرسپوليس هميشه پرسپوليس است و اين فصل هم قهرمان مي شود و من فكر مي كنم كه اين آخر پاييز پرسپوليس كي مي رسد تا جوجه ها را بالاخره بشماريم!

كدام تعصب، کدام عشق!؟

خانم ها هم گرچه در استاديوم ها حاضر نيستند، اما بخشي از طرفداران فوتبال ما هستند كه اتفاقا خيلي از آنها در كارشناسي كردن مسائل فوتبال گوي سبقت را از آقايان ر بوده اند. شهره شيباني بيست و چهار ساله و دانشجوي روانشناسي يكي از آنهاست كه در تاكسي بعد از پخش گزارش كشتي دوم حميد سوريان در المپيك لندن با خودش زير لب از ورزش گفت و بعد با سوال من مواجه شد، وقتي گفت خدائي شادي اي كه اين بچه ها به مردم مي دهند بيشتري از 200 سكه مي ارزد. گفتم فوتبالي ها چه، به نظرت آنها چقدر مي ارزند كه گفت: هيچي، من يك پرسپوليسي ام، فوتبال را هم مي بينم با همه جزئيات، از همه چيز خبر دارم، روزي حداقل دو روزنامه ورزشي مي خوانم، اما بين اين صفحه ها هم عدالت رعايت نمي شود، همه اش شده فوتبال، همين مي شود كه بازيكن چند صد ميليون مي گيرد و مي داند كه همه مردم هم دنبالش هستند. آن وقت در زمين فقط راه مي رود، اسم خودش را هم مي گذارد متعصب، کدام تعصب وقتي رنگ پيراهن با پول راحت عوض مي شود، فوتبال را ديگر مثل گذشته دوست ندارم، چون شادم نمي كند.

يك زماني براي فوتبال مي مردم، براي پرسپوليس، اما حالا فقط يك طرفدار ساده ام.

جاي خالي يك بدنسازي با برنامه

امير موسوي زاده، چهل ساله، مربي بدنسازي است كه در يكي از بوستان هاي تهران، علاقه مندان به ورزش گروهي و نرمش هاي دسته جمعي را هدايت مي كند و ورزش مي دهد. از رنگ پيراهن ورزشي اش حدس مي زنم كه طرفدار قرمز است، ورزشي ها معمولا رنگ را بي دليل انتخاب نمي كنند. دوست دارم نظر يك مربي ورزش را هم بدانم، پس منتظر مي مانم. حدسم درست است. او فوتبال را دوست دارد، بازي مي كند و طرفدار پرسپوليس هم هست. پرسش ديگري را مطرح مي كنم، اين كه سهم بدنسازي در شرايط كنوني پرسپوليس چقدر است كه موسوي زاده توضيح مي دهد: شايد عده اي پيروي پرسپوليس در آبادان و در آن گرمائي طاقت فرسا را دليلي براي بدن هاي آماده بازيكنان بدانند، اما من تصور مي كنم آن مسابقه معياري براي سنجش نيست، چون بازيكنان در مسابقه اول تازه نفس بودند. پرسپوليس متاسفانه پيش از شروع فصل، فرصت كاملي براي بدنسازي نداشت و از همه مهم تر به نظر مي رسد با برنامه مشخص يك مربي آماده نشد كه اين كمبود از همين شروع فصل احساس مي شود.

ترس جانشين، دل شير!

اما صحبت هاي يك هوادار ديگر پرسپوليس هم قابل تامل است. او از بعد روحي به قضيه نگاه مي كند. حسين مشيري سي و پنج ساله و دانشجوي كارشناسي ارشد فيزيك مي گويد: اين را حتما بنويسيد تا آنهاي كه افشين قطبي را به علت حرف هايش مسخره مي كردند، بدانند اشتباه مي كردند. افشين قطبي نمونه كاملي از يك مربي بود كه از ابزار روحي خوب استفاده مي كرد. هميشه مي گفت

بازیکنانم دل شیر دارند؛ آنقدر این را گفت تا ملکه ذهن شاگردانش هم شد. آن پرسپولیس حداقل آنقدر از نظر روحی خوب بود که مقابل استقلال اهواز حتی 9 نفره جنگید و در دقایق آخر گل برتری را زد، اما حالا خبری از دل شیر نیست. ستاره‌های لیگ هیچ‌کدام دل شیر که ندارند هیچ، ترسو هم هستند. ترس از باخت و انتقاد دوباره، حالا اساسی‌ترین مشکل پرسپولیس شده و تا زمانی که چنین چیزی هست، با بهترین‌ها هم به جایی نمی‌رسیم.

مبادا مردم پشیمان شوند!

کمی جستجوی اینترنتی در وبلاگ‌های هواداران پرسپولیس؛ احمد بیست و نه ساله در یکی از این یادداشت‌ها نوشته هر تیمی باید افتخار کند که این همه هوادار دارد. ما خجالت می‌کشیم وقتی روی سکوها هر بازی پر از تماشاگر می‌شود و دوباره می‌بازید.

این فصل دیگر بهانه‌ای نیست. هم پولتان را بموقع گرفتید و هم در هر پست بهترین بازیکنان را حتی روی نیمکت دارید. کاری نکنید که هوادار از طرفداری‌اش پشیمان شود و با استادیوم و پرسپولیس قهر کند. وقتی یک پیشکشوت می‌گوید کم‌مانده که دیگر بگویم پرسپولیزی نیستم، از مردم چه توقعی دارید. لطفا مثل ما خجالت بکشید!

و اما نظرسنجی سایت باشگاه پرسپولیس

اما سایت رسمی باشگاه پرسپولیس هم در یک نظرسنجی عمومی به دنبال یافتن علت این ناکامی‌هاست. این نظرسنجی که البته هنوز نتیجه آن اعلام نشده در قالب چهار سوال مطرح شده است؛ علت ناکامی پرسپولیس را کدام یک می‌دانید، جالب این‌که چهار گزینه مطرح شده از سوی سایت این باشگاه چکیده‌ای از نظرات مردم است. نظر شما در این مورد چیست؟

1- بدنسازی ناقص قبل از شروع لیگ 2- نداشتن شناخت از بازیکنان و استفاده از ترکیب‌های مختلف 3- نبود دو هافبک قلدر و طراح 4- حاشیه‌ها

امیدواریم حداقل پیدا کردن علت کمک کند تا نبض پرسپولیس دوباره بزند تا فوتبال ملی نیز از حیات این تیم قدیمی بهره‌مند شود. راستی شما هم می‌توانید از طریق پیامک 300011216 نقطه نظرات خود را با گروه ورزش در میان بگذارید.

سارا احمدیان / جام جم